

پلیس و پیش‌گیری از تروریسم^۱

مترجمان: نوروز کارگری^۲

سید رضا میری^۳

چکیده

امروزه روشن شده است که پلیس در پیش‌گیری از تروریسم نقش مهمی ایفاء می‌کند؛ زیرا موقعیت مناسبی برای اطلاع از تهدیدهای تروریستی محلی و تحقیق در مورد آن‌ها، دارا بوده و می‌تواند حمایت از گروه‌های هدف آسیب‌پذیر را در قلمرو خود تضمین کند. تحقق کارکرد نخست، یعنی تحقیق در مورد تروریست‌ها، منوط به توسعه‌ی فعالیت‌های پلیسی عادی است و در این راستا، پلیس باید مدیریت اطلاعات خود را بهبود بخشد. تحقق کارکرد دوم پلیس، یعنی حمایت از گروه‌های هدف آسیب‌پذیر نیز مستلزم ساز و کارهای بیشتری است. پلیس باید در زمینه‌ی پیش‌گیری از جرم و مسایل امنیتی متخصص شود و همکاری خود با اصناف و طیف وسیعی از سازمان‌های خصوصی و عمومی را گسترش دهد. مع‌هذا، این تحولات مطابق بهترین رویه‌های جاری نظام پلیسی می‌باشد.

واژگان کلیدی: پلیس، پیش‌گیری از جرم، تروریسم، اطلاعات مردمی،

سازمان‌های خصوصی، سازمان‌های عمومی.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۱/۴/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۶/۲۹.

این مقاله با عنوان «Police and the Prevention of Terrorism»، نوشته‌ی رونالد وی. کلارک و گرایم آر. نیومن است که در شماره‌ی نخست مجله‌ی تخصصی دانشگاه آکسفورد، صفحات ۹ تا ۲۱ به چاپ رسیده است.

۲. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ نویسنده مسؤل: nouroozk@gmail.com

۳. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

درآمد

حملات یازدهم سپتامبر^۱ سال ۲۰۰۱ میلادی در ایالات متحده امریکا، همه چیز را تغییر داده است و این در مورد پلیس نیز صادق است. امروزه این نکته روشن است که سازمان‌های امنیتی ملی قادر نیستند بیش از این برای پیش‌گیری از حملات تروریستی آینده فعالیت کنند، بلکه باید از همکاری دیگر سازمان‌های خصوصی و دولتی، به ویژه پلیس محلی، بهره‌مند شوند تا بتوانند تروریست‌هایی که در محدوده‌ی آن‌ها زندگی یا فعالیت می‌کنند را شناسایی کنند و با تحت حمایت قرار دادن اهداف آسیب‌پذیر، نخستین پاسخ به حملات تروریستی را سازمان‌دهی کند.

ایده‌ی درگیر شدن پلیس محلی در اقدامات ضد تروریستی در ایالات متحده، در سال ۲۰۰۶ توسط «کلینگ» و «براتون»^۲ ارائه شد. به عقیده‌ی آن‌ها، پلیس محلی همانند سایر جرایم، در مبارزه با تروریسم نیز نقش اساسی ایفا می‌کند مقابله با تروریسم باید به فعالیت روزانه‌ی ادارات پلیس تبدیل شود. این اقدام باید شامل اعلام ملاقات‌های روزانه باشد و این نقش جدید باید به اطلاع افسران داخل خیابان برسد تا پیش‌گیری از تروریسم به بخشی از دغدغه‌ی آن‌ها تبدیل شود. (Kelling and Bratton, 2006: 6).

شمار حملات تروریستی، بسیار نادرتر از دیگر جرایم، حتی قتل عمد است، اما به اعتقاد کلینگ و براتون پلیس محلی نمی‌تواند زندگی افراد را در اجتماع به خطر اندازد. اگر فاجعه‌ای رخ دهد، آن‌ها مسؤول خواهند بود. بنابراین باید پیشاپیش برای اقدامات تروریستی برنامه‌ریزی کنند و برنامه‌های ضد تروریسم را در اقدامات روزانه‌ی خود بگنجانند. آن‌ها باید:

- ۱- اطلاعات مربوط به اقدامات تروریستی بالقوه را جمع‌آوری کنند؛
- ۲- اطمینان حاصل کنند که اهداف آسیب‌پذیر تحت حمایت قرار دارند؛

۱. مترجم: آن‌چه که به ظاهر در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، عبارت بود از ربایش چهار فروند هواپیمای خطوط هوایی امریکا توسط اعضای گروه تروریستی القاعده. دو فروند از این هواپیماها به ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی در نیویورک برخورد کردند و موجب فرو ریختن آن‌ها را شدند. در اثر این حادثه، سه هزار نفر کشته و شش هزار نفر زخمی شدند. هواپیمای دیگر به ساختمان پنتاگون در واشنگتن اصابت کرد و هواپیمای چهارم نیز در پنسیلوانیا سقوط کرد. این حادثه، بزرگ‌ترین حادثه‌ی تروریستی امریکا قلمداد شده و پیامدهای آن به حدی بود که بسیاری از اصول حقوقی و بین‌المللی را به صورت جدی با چالش مواجه ساخته است.

2. Kelling and Bratton.

۳- برای پاسخ‌دهی به یک حمله‌ی تروریستی آماده باشند. مورد اخیر قابل مناقشه نیست و در اینجا مورد بررسی قرار نخواهد گرفت و دو مورد نخست را که از جنبه‌های متفاوت، بر پیش‌گیری از تروریسم تاکید می‌کنند، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

پیامدهای ویران‌گر تروریسم ایجاب می‌نماید پیش‌گیری از آن نسبت به سایر جرایم اهمیت بیشتری یابد. پلیس باید مراقب باشد که معطوف کردن تلاش‌ها برای گردآوری اطلاعات، هدف دیگر، یعنی حمایت از اهداف بالقوه را از پیش رو دور نسازد. اختصاص دادن تلاش‌ها برای حمایت از اهداف، پلیس را ملزم می‌کند تا مهارت‌ها و تخصص‌های جدید خود را توسعه دهد. جوامع باید با پذیرش این فرض که تروریسم همواره به صورت یک تهدید باقی خواهد ماند، طرح‌های طولانی مدتی را برای حمایت از اهداف آسیب‌پذیرتر خود پیاده کنند و این طرح‌ها باید به وسیله‌ی پلیس اجرا شود. در این نوشتار، برخی شاخص‌ها به منظور تطبیق فعالیت‌های پلیس برای اجرای این وظیفه ارائه می‌شود.

۱. شناسایی تروریست‌ها

اقدامات معمول پلیس بیشتر در جهت دستگیری بزهکاران است تا پیش‌گیری از وقوع، حال آن‌که، در واقع چنین نیست. به‌رغم آن‌که پلیس به بهترین نحو وظایف خود را انجام می‌دهد، اما تنها نسبت کمی از جرایم منجر به دستگیری بزهکاران می‌شود، و تاکنون به این سؤال که چگونه می‌توان رقم سیاه جرایم را کاهش داد و میزان کشف جرایم و دستگیری بزهکاران را افزایش داد، پاسخ مناسبی نداده‌اند. (Heaton, 2000) مطالعات جرم‌شناسی، از یافتن ارتباط میان شدت و کاهش جرم ناکام مانده‌اند. آمارها نشان نمی‌دهد که مجازات اعدام از ارتکاب قتل عمد جلوگیری می‌کند. بزهکاران فکر می‌کنند دستگیر نخواهند شد و بدین ترتیب خطر مجازات شدید متوجه آن‌ها نخواهد بود، ترس از دستگیری نیز برای آن‌ها بازدارنده نیست؛ زیرا آن‌ها در زمان ارتکاب جرم، عصبانی یا مست بوده و لذا قادر به پیش‌بینی عواقب دستگیری و مجازات نبوده‌اند. از هر گروه جدید بزه‌کار، پنج تا ده درصد به بزهکاران

مزمناً^۱ تبدیل خواهند شد و با دستگیری و زندانی شدن بسیاری از بزه‌کاران، دیگران به زودی جایگزین آن‌ها خواهند شد. از دیگر سو، کسانی که خود مایل به مردن برای اعتقاداتشان هستند، احتمالاً با مجازات مرگ یا حبس از ارتکاب جرم منصرف نخواهند شد. دستگیری آن‌ها نیز دشوار است؛ زیرا تروریست‌ها بیش از سایر بزه‌کاران مراقب مخفی ماندن اقدامات خود هستند. حتی اگر هویت آن‌ها مشخص باشد، همیشه نمی‌توان آن‌ها را دستگیر کرد؛ به ویژه زمانی که از کشورهای ماورای بحار بوده و در کشورهایی به سر می‌برند که مردم با آن‌ها هم‌دردی می‌کنند. نمونه‌ی این امر، جست‌وجو برای یافتن «اسامه بن لادن» است. آن‌ها اغلب به دلایل امنیتی، در دادگاه علنی محاکمه نمی‌شوند. آن‌ها زندانیانی مشکل‌دار هستند و اغلب اسارت خود را به عنوان یک فاجعه در ذهن عموم به تصویر می‌کشند. شاید بزرگترین هزینه برای زندانی کردن این افراد، تلاش حمایت‌کنندگان از آن‌ها در جهت دیگری هم طراحی نقشه‌ی رهاندن آن‌ها است. کشتن مرتکبان اقدامات تروریستی، هزینه‌های دیگری هم دارد. از جمله احساس ناخوشایندی بیشتری در میان جمعیت مخالف ایجاد می‌کند و حل منازعات موجود را دشوار می‌سازد. تروریست‌ها، استفاده‌ی آن‌ها از خشونت را توجیه کرده و از این ادعا که آن‌ها علیه دشمنان بی‌رحم مبارزه می‌کنند، حمایت می‌نمایند و آن‌ها را به سمبل‌هایی برای تقلید، در میان جوانان تاثیرپذیری که تروریست‌ها در پی جذب آن‌ها هستند، تبدیل می‌کند.

دلایلی که گفتیم بدان معنا نیست که تروریست‌ها نباید تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات شوند. آن‌ها به خاطر جرایم ارتكابی مستحق مجازات هستند. کشتن رهبران تروریست‌ها نیز می‌تواند موثر باشد، به ویژه زمانی که آن‌ها شخصیت‌های کاریزمایی باشند که نفوذ بسیاری بر پیروان خود داشته و به آسانی قابل جایگزینی نباشند. کشتن این رهبران می‌تواند به منزله‌ی گردن زدن سازمان تروریستی و از بین رفتن بدنه‌ی آن باشد، اما چنین اقداماتی، ورای توانایی و یا حتی تمایل پلیس محلی است. لذا دغدغه‌ی ابتدایی پلیس محلی، پیش‌گیری از وقوع حملات تروریستی در جوامع محلی است.

1. Regular.

۲. انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی

عبارت «انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی»^۱ برای نخستین بار توسط «افسر پلیس کنت»^۲ هنگامی به کار گرفته شد که بودجه‌ی پلیس برای پاسخ به جرایم به هدر می‌رفت، به عنوان مفهومی برای مقابله با افزایش صعودی سرقت از منازل و سرقت خودرو به کار رفت. مدیر ارشد اداره‌ی پلیس بر این عقیده بود که تعداد کمی از افراد، مسوول انجام تعداد بسیاری از جرایم هستند و با ایجاد واحدهای اطلاعاتی به منظور تحقیق و تعقیب این بزهکاران، می‌توان از وقوع بسیاری از این جرایم پیش‌گیری کرد. آن‌ها منابع اطلاعاتی را در اختیار این واحدها قرار دادند و با این کار طی سه سال، میزان جرایم تا یک سوم کاهش یافت.

انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی، مبانی «مدل اطلاعات ملی»^۳ را تشکیل می‌دهد که استانداردهای جمع‌آوری و عمل‌آوری اطلاعاتی جدیدی را پایه‌گذاری کرده است. این مدل در چهل و سه مرکز پلیس در پادشاهی بریتانیا به اجرا گذاشته شد.

در ایالات متحده آمریکا، ایده‌ی انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی، به عنوان راهی برای ترکیب اجزای جداگانه‌ی اطلاعات در مورد فعالیت‌های تروریستی به کار گرفته شد. این اجزا تنها زمانی معنا می‌یابند که با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند (Peterson, 2005). انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی که توسط کمیسیون ۹/۱۱^۴ عمومیت یافت، راهی را برای «وصل کردن نقطه‌ها یعنی مراکز پلیس به یکدیگر»^۵ فراهم می‌کند (Gladwell, 2003). اداره‌ی پلیس نیویورک، بیش از هزار افسر متخصص برای مبارزه با تروریسم دارد. افسرانی مسلط به زبان‌های خارجی که گزارش‌های اطلاعاتی و آژانس‌های خبری را تحت

1. Intelligence-led Policing.
2. Kent Constabulary.
3. National Intelligence Model.
4. The National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States.

مترجم: کمیسیون ۹/۱۱، کمیسیون مستقلی است که در سال ۲۰۰۲ با تصویب کنگره و امضای رییس جمهور وقت آمریکا، جورج بوش، به منظور بررسی تمامی ابعاد حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تشکیل شد.

5. Joint up the Dots.

نظر دارند و خارج از آمریکا، در مناطقی که «مهد تروریسم»^۱ محسوب می‌شود، شعبه‌هایی را مستقر کرده است (Finnegan, 2005). این ادارات از یک منبع اطلاعاتی کامپیوتری، افسران اطلاعاتی، تحلیل‌گرها و مدیر اطلاعاتی تشکیل شده‌اند. این مراکز برای انجام تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرد و به طور مستقیم و اجرایی اقدام نخواهند کرد.

یکی از ایرادهای اساسی طرح «انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی» به ویژه در نسخه‌ی آمریکایی آن، این است که برنامه با این پیش فرض آغاز می‌شود که اگر پلیس، بتواند اطلاعاتی را که لازم است به سادگی جمع‌آوری کند، فعالیت‌های مشکوک را شناسایی خواهند کرد. به عنوان نمونه، خرید زیاد پراکسید هیدروژن می‌تواند منجر به شناسایی و از بین بردن یک گروه تروریستی یا یک توطئه‌ی تروریستی شود. قسمت عمده‌ی این رویکرد در ایالات متحده، با تشویق مردم به گزارش‌دهی فعالیت‌ها یا تحت نظر داشتن افراد مشکوک از طریق خط ویژه پلیس^۲ اجرا می‌شود. این اطلاعات به عنوان «محرمانه» طبقه‌بندی می‌شوند. لذا نمی‌توان گفت اطلاعاتی که به خط ویژه گزارش شده است، منجر به شناسایی یک توطئه‌ی تروریستی شده است. در چنین وضعیتی، نسبت اطلاعات غیر مفید به اطلاعات مفید، بیش از حد معمول است. ایراد دیگر وارد بر برنامه‌ی «انجام امور پلیسی با استفاده از شیوه‌های اطلاعاتی» این است که موفقیت این برنامه به افراد و نهادهایی وابسته است که اطلاعات خود را در اختیار پلیس قرار می‌دهند. این اطلاعات باید تفسیر شود. برای پاسخ‌دهی به این مشکل، مدل اطلاعات ملی طراحی شده است، اما در زمان ارائه‌ی اطلاعات در مورد تروریسم، موانع بسیاری وجود دارد که این مدل نمی‌تواند آن را حل کند. به عنوان مثال بسیاری از ادارات محلی، توانایی کسب اطلاعات را ندارند. آن‌ها از کارمندان اطلاعاتی آموزش دیده‌ی کافی برخوردار نیستند و تکنولوژی مناسبی نیز ندارند (General Accounting Office, 2003). بسیاری از نهادهای محلی در ایالات متحده، افسران تحلیل‌گر جرم که آموزش دیده باشند را در اختیار ندارند. هم‌چنین نیروهای محلی ممکن است امکانات کامپیوتری

1. Terrorism Hot Spot.

2. Hot Line.

و نرم‌افزار کافی برای تسهیل یک سیستم ملی داده‌های اطلاعاتی در اختیار نداشته باشند و سیستم ارتباطی ضعیفی میان سیستم‌های کامپیوتری وجود داشته باشد. بدون وجود سیستم‌های ارتباطی یکدست، نمی‌توان یک شبکه‌ی الکترونیک برای ارسال اطلاعات جمع‌آوری شده به سراسر کشور راه‌اندازی کرد. افزون بر فقدان تکنولوژی یا پرسنل آموزش دیده، مانع بزرگ‌تر برای ارتباط اطلاعاتی میان ادارات پلیس، ماهیت انسانی است. به ویژه در مراحل ابتدایی یک تحقیق این احتمال وجود دارد که تحقیق‌کنندگان در پی حمایت از اطلاعات خود باشند. رازداری علامت مشخصه‌ی عملیات اطلاعاتی است. تحقیق‌کنندگان ممکن است نسبت به کمک «دیگران»^۳ تردید داشته باشند و بخواهند افتخار حاصل از شناسایی موفقیت‌آمیز تروریست‌ها را برای خود نگه دارند. این علل موجب شد برنامه‌ی جرایم سازمان یافته‌ی موتورسیکلت‌سواران ملی بزهکاری^۴ طی مدت دو سال و با هزینه‌ی یک میلیون پوند، تنها موفق به گردآوری یکصد و هشتاد و چهار مورد از اطلاعات نیروهای محلی شد (Brown and Clarke, 2003, Brawn, et al, 2004).

۳. انجام امور پلیسی در جامعه^۵

افسران پلیس محلی، در کلیه‌ی اجتماعات حضور روزمره دارند. آن‌ها با سکنه‌ی محل و صاحبان مشاغل ارتباط برقرار می‌کنند و به تغییرات جزئی در اطراف محل گشت خود توجه دارند (Kelling and Bratton, 2006: 1). به دست آوردن اطلاعات اساسی و کسب اعتماد مردم، مستلزم آن است که پلیس به صورت منظم و غیر رسمی با اعضای کلیدی اجتماع گفت‌وگو کند و این تنها یکی از کارکردهای انجام امور پلیسی در جامعه، در مبارزه با تروریسم است. انجام امور پلیسی در جامعه، مستلزم اختصاص افسران پلیس پیاده به این امر است تا بتوانند زمان قابل توجهی را در اجتماع بگذرانند، سکنه‌ی محل و صاحبان مشاغل را بشناسند و با آن‌ها در مورد

3. Outsiders.

4. Organized Vehicle Crime Programme of National Criminal Intelligence Service.

5. Community Policing.

مشکلات محلی و افراد در دسرساز صحبت کنند. این کار مستلزم اعمال مدیریت برای انتخاب افسرانی است که برای انجام امور پلیسی در جامعه مناسب باشند؛ به اندازه‌ی کافی در محل زندگی کرده باشند به گونه‌ای که اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کرده باشند؛ افسرانی باید انتخاب شوند که در محل، یا همسایگی محل خدمت خود زندگی می‌کنند و از مهارت کلامی برای برقراری ارتباط با مردم برخوردارند. نهایت این که افسران برای شناسایی چیزی که به دنبالش هستند، باید آموزش ببینند. گردآوری اطلاعات از طریق انجام امور پلیسی در جامعه، بسیاری نسبت به کار اطلاعاتی سنتی از امتیازهایی برخوردار است. این روش، به طور خاص:

۱- هر چند لیستی از مظنونان احتمالی را گردآوری می‌کند، با این حال اعتماد اجتماعی را نادیده نمی‌گیرد؛

۲- از متهم کردن افراد به خاطر شیوه‌ی زندگی‌شان، کنترل کردن تلفن و ایرادات سیاسی و حقوقی ناشی از آن اجتناب می‌کند؛

۳- از تحت نظر قرار دادن‌های پرهزینه و بی‌فایده‌ی افراد مظنون به اقدامات مخفیانه و دام‌گذاری برای آنان اجتناب می‌کند.

به منظور اطمینان از این که افسران اجتماعی به اهداف برنامه دست می‌یابند، مدیر ارشد کمیت و کیفیت گزارش‌های اطلاعاتی واصله از افسران را بررسی خواهد کرد. هم‌چنین به صورت دوره‌ای این موضوع را بررسی می‌کند که آیا افسران مطابق اهداف خود، یعنی کاهش عینی جرم و بی‌نظمی برای مردم محل، رفتار می‌کنند یا خیر. توانایی پلیس برای تجزیه و تحلیل جرم، باید با به کارگیری نیروهایی که به صورت مناسب آموزش دیده‌اند، فراهم آوردن تکنولوژی روزآمد برای آن‌ها و بازداشتن آن‌ها از گرفتار شدن در تهیه‌ی گزارش‌های روزانه و بوروکراسی اداری، تقویت می‌شود (Clarke and Eck, 2003).

۴. اجتماع مهاجرین

اجتماعات مهاجرین شرایط پایه‌ای را برای راه پیدا کردن تازه‌واردان فراهم می‌کنند؛ به ویژه زمانی که نمی‌توانند به زبان آن کشور گفت‌وگو نمایند. این اجتماعات این امکان را برای تروریست‌های خارجی فراهم می‌کنند تا حساب‌های

بانکی و کارت‌های اعتباری به دست آورند، از خارج پول بگیرند و جایی را برای زندگی پیدا کنند. حمله‌ی نخست به مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ توسط افرادی که در یک اجتماع مهاجرین در نیوجرسی، نزدیک منهاتن ساکن بودند، صورت گرفت. عاملان حملات یازدهم سپتامبر هم به صورت موقت، در محله‌های مهاجرین، که از نظر پس زمینه‌های قومی و ملی با آن‌ها هماهنگ بود، زندگی می‌کردند. احتمالاً حملات القاعده توسط حضور اجتماعات مهاجرین در ایالات متحده تسهیل شده است، شاید این اجتماعات به صورت ناخواسته مورد استفاده قرار گرفته باشند. در پادشاهی بریتانیا، اجتماعات مهاجرین زمینه‌ی مناسبی برای تروریست‌هایی که در ژوئن سال ۲۰۰۵ به متروی لندن حمله کردند، ایجاد کرد. بنابراین برای ردگیری اطلاعات مربوط به حملات تروریستی احتمالی، پلیس باید توجه خاصی به اجتماعات مهاجرین کند. گرچه بیشتر مهاجرین با تروریسم مخالف هستند، اما ممکن است آن‌ها به علت ترس از اخراج، از همکاری با مقامات دولتی خودداری کنند. با ایده‌ی «انجام امور پلیسی در جامعه» بهتر می‌توان از این خطرات اجتناب کرد، انتشار خبر یک نقشه‌ی تروریستی بی‌نتیجه یا یک تهدید تروریستی، موجب وحشت‌زدگی مهاجران می‌شود. حمایت از این اجتماعات (Innes, 2004, Morris, 2006) و همزمان اطمینان از این‌که آن‌ها تروریسم را مخفی نکرده و از آن حمایت نمی‌کنند، پلیس را با یک اقدام تعادلی دشوار روبه‌رو می‌سازد. مهاجران جدید اغلب نسبت به پلیس احساس ترس و بی‌اعتمادی دارند؛ اطلاعات بسیاری از مهاجران از قواعد حقوقی و حقوق شهروندی بسیار کم است؛ موانع زبانی و کلامی مانع از برقراری یک ارتباط موثر و برقراری اعتماد بین مهاجران و پلیس می‌شود؛ و مهاجران می‌ترسند که مبادا ارتباط با پلیس، وضعیت مهاجرت آن‌ها را به خطر اندازد.

انجام امور پلیسی در اجتماعات مهاجران، از طریق تاسیس ایستگاه‌های پلیس در اجتماعات بزرگ‌تر، ایجاد همکاری با مدارس، خدمات اجتماعی و نهادهای مذهبی برای کمک به مهاجران جوان‌تر، کودکان مهاجر و مهاجرین مسن، کمک به امن نگه داشتن آن‌ها، استفاده از روزنامه‌های مهاجرین، نهادهای مذهبی و کارفرمایان، استخدام مترجمان و در دسترس قرار دادن اسناد پلیس به زبان فرد مهاجر، درگیر کردن رهبران مهاجرین در طراحی و اجرای آموزش فرهنگی برای افسران پلیس و

علنی کردن سیاست‌های اجرای قانون مهاجرت، آموزش وکلای محلی در ارتباط با نقش و سیاست‌های پلیس و آموزش دادن به اصحاب مطبوعات، به گونه‌ای که بتوانند گفت‌وگوی میان پلیس و مهاجرین را به نحو مناسبی گزارش نمایند، از جمله اقدامات مفید است (Chapman and Scheilder Updated).

۵. حمایت از اهداف آسیب‌پذیر

پلیس نمی‌تواند از همه‌ی اهداف حمایت کند. لذا باید برخی اهداف را انتخاب کند؛ به گونه‌ای که بیشتر اهداف آسیب‌پذیر مورد حمایت قرار گیرند. هم‌چنین باید توجه داشته باشد که با حمایت از اهداف آسیب‌پذیر، تروریست‌ها اهداف دیگری را که در حمایت پلیس نیستند، مورد حمله قرار ندهد. در کتاب «کلک زدن به تروریست‌ها»^۱ (Clarke and Newman, 2006) ما از دیدگاه پیش‌گیری وضعی از جرم، به این موضوع پرداخته‌ایم (Clarke, 2005) و در کتاب «انجام امور پلیسی در ارتباط با تروریسم؛ یک رهنمود برای روسای پلیس»^۲ (Clarke and Newman) این پاسخها را برای اقدامات پلیس امریکا طرح‌ریزی کردیم. در اینجا نکات مهم را تحت دو عنوان؛ «فهمیدن تروریسم»^۳ و «طراحی یک نقشه»^۴ خلاصه می‌کنیم.

۵-۱. درک ماهیت تهدید

اگر پلیس در پی طراحی یک برنامه برای حمایت از اهداف در برابر تروریسم است، باید ماهیت تهدید را درک کند. یک چهارچوب مفهومی که به وسیله‌ی پیش‌گیری وضعی از جرم مطرح می‌شود و در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد، به این درک کمک می‌کند.

1. Outsmarting the Terrorists.
2. Policing Terrorism: A Police Chief's Guide.
3. Understanding the Threat.
4. Formulating a Plan.

۱-۱-۵. برخورد با تروریسم به عنوان جرم

گاه گفته می‌شود جرم و تروریسم به اندازه‌ای با یکدیگر تفاوت دارند که آموزه‌های پیش‌گیری از جرم، در پیش‌گیری از تروریسم کاربرد کمی دارد؛ زیرا:

۱- تروریست‌ها بهتر سازماندهی شده‌اند، مصمم‌ترند و بی‌رحم‌تر از بزهکاران معمولی هستند؛

۲- آن‌ها آرمانی والاتر از دیگر بزهکاران دارند و صرفاً به منظور کسب منافع خود هستند، مرتکب جرم نمی‌شوند؛

۳- اقدامات تروریستی بهتر از دیگر اقدامات مجرمانه طراحی شده و در مقیاس گسترده‌تری ارتکاب می‌یابد.

در پاسخ باید گفت بسیاری از «جرایم سازمان یافته» نیز به خوبی طراحی و برنامه‌ریزی شده‌اند، در مقیاس گسترده انجام می‌شوند و خشن و بی‌رحمانه هستند. هم‌چنین بسیاری از تروریست‌ها نیز به اندازه‌ی مجرمان معمولی، که از انگیزه‌های پیش پا افتاده مانند کسب احترام و به دست آوردن یک زندگی لذت‌بخش برخوردارند، به هر حال تمایز میان جرم و تروریسم، آن چنان صریح و روشن نیست و لذا ترجیح می‌دهیم تروریسم را به عنوان یک «جرم با انگیزه‌های سیاسی» قلمداد کنیم (Clarke and Newman, 2006).

۱-۲-۵. تمایز آشکار میان اشکال متفاوت تروریسم

هر یک از انواع متفاوت حملات تروریستی، باید به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عنوان نمونه، بمب‌گذاری انتحاری در رستوران‌ها، نسبت به بمب‌گذاری در اتوبوس یا قطارها، الزامات و محدودیت‌های متفاوتی دارد، و هر دوی این موارد نیز با هواپیماربایی یا گروگان‌گیری در مدارس تفاوت آشکار خواهد داشت. اگر اقدامات یک تروریست از آغاز تا پایان ماموریتش گام به گام تعقیب شود، این تفاوت‌ها در شیوه‌های مورد استفاده‌ی تروریست‌ها مشاهده می‌شود. موقعیت‌هایی که تروریست‌ها باید به منظور کامل کردن حملات خود مورد استفاده قرار دهند و تصمیماتی که بر مبنای این موقعیت‌ها اتخاذ می‌کنند، مانند اهداف و سلاح‌های انتخاب شده، متفاوت است. پلیس باید با قرار دادن خود به جای تروریست‌ها و

حدس زدن اقدام بعدی که برای انجام یک حمله تروریستی مورد نیاز است، همانند تروریست‌ها فکر کند تا بتواند در مورد این‌که تروریست‌ها با شیوه‌های مجرمانه چگونه، عملیاتشان را انجام می‌دهند، اطلاعات کافی به دست آورد.

۳-۱-۵. تجزیه و تحلیل جذابیت اهداف

تحقیق در مورد پیش‌گیری وضعی نشان داده است که سارقان به سمت محصولات خاصی جذب می‌شوند. عملکرد جذاب تولیدات، «کلارک» را بر آن داشت تا ویژگی‌هایی که محصولات را برای سرقت جذاب می‌کند، شناسایی کند. تروریست نیز باید یک هدف را انتخاب کند، و برخی هدف‌ها برای او جذاب‌تر از دیگران است. در مقام نظر، او می‌تواند هر هدفی را انتخاب کند، اما در عمل، دامنه‌ی فعالیت‌های او به وسیله‌ی عواملی مانند پول، محل، دسترسی به هدف و عدم توافق با سایر عاملان محدود شده است (Clarke and Newman, 2006). برخی مثال‌ها به شرح زیر است:

- ۱- در معرض دید بودن: ^۱ برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی هدف آسانی برای این کار بودند؛
- ۲- حیاتی بودن: ^۲ مانند شبکه‌های برق، سیستم‌های حمل و نقل و ارتباطات؛
- ۳- نماد بودن: ^۳ مانند ارزش‌های سمبلیک دشمن، به عنوان نمونه قصر واکینگهام یا مجسمه‌ی آزادی؛
- ۴- قابل تخریب بودن: ^۴ البته در مورد برج‌های دوقلو تصور بر این بود که غیر قابل تخریب هستند، اما هواپیماربايان یازدهم سپتامبر چنین تصویری نداشتند؛
- ۵- نزدیک و در دسترس گروه‌های تروریست بودن: مانند نزدیک بودن هدف به منزل؛

1. Expose.

2. Vital.

3. Iconic.

4. Destructible.

۶- سهولت: ^۱ ساختمان فدرال ^۲ در اوکلاهوما سیتی ^۳ یک هدف ساده برای ماشین بمب‌گذاری شده «مک وی» در فاصله‌ی هشت فوتی آن بود. پلیس با اطلاع از این معلومات ابتدایی در مورد جذابیت اهداف، می‌تواند بسیاری از اهداف احتمالی را در حوزه‌ی قلمرو خود از دایره‌ی احتمال بزه‌دیده شدن خارج کند.

۴-۱-۵. پیش‌گیری از جایگزینی اهداف

اغلب عقیده بر این است که تنها نتیجه‌ی حمایت از اهداف آسیب‌پذیر، جابه‌جایی حملات به سمت اهداف حمایت نشده است. با این حال از مطالعات مربوط به پیش‌گیری از جرم آموخته‌ایم که این جایگزینی به ندرت رخ می‌دهد (Hessel- ing, 1994). به عنوان نمونه، در سال ۱۹۷۳ برای پیش‌گیری از هواپیمارمایی بین کوبا و ایالات متحده، صفحه‌های نمایش‌گر مسافران و چمدان‌ها در فرودگاه‌ها مورد استفاده قرار گرفت، اما این اقدام، باعث جابه‌جایی هواپیمارمایی به سایر نقاط دنیا نشد. (Clarke and Newman, 2006) به علاوه این تدابیر باعث جابه‌جایی آشکار هواپیمارمایی با تخریب هواپیما از طریق بمب‌های غیر مجاز وارد شده به باند نگردید. با این حال این نکته تایید شد که جمعیت تروریست‌ها رفتارهایشان را طی زمان به گونه‌ای منطبق می‌کنند که بتوانند از دخالت‌های امنیتی موجود فرار کنند. یک نمونه از این انطباق، توطئه‌ای است که در سپتامبر ۲۰۰۶ کشف شد. در این توطئه، تروریست‌ها قصد به کارگیری مواد انفجاری مایع بر روی هواپیماهای در حال پرواز امریکایی را داشتند. به‌رغم شدت یافتن اقدامات امنیتی از زمان یازدهم سپتامبر، در آن هنگام محدودیتی برای بردن مایعات بر روی باند وجود نداشت و در پاسخ به این تهدید جدی، مقامات مجبور به اعمال محدودیت جدید در مورد مایعات شدند.

1. Easy.

2. Muhrrah Building.

۳. مترجم: این ساختمان در سال ۱۹۹۵ با انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده مورد حمله قرار گرفت. طراحان و عاملان این حمله، «تیموئی مک وی» و «تری نیکولز» بودند که این اقدام را در انتقام کشتار داویدیان انجام دادند. تا پس از سال ۲۰۰۱، این حادثه به عنوان بزرگ‌ترین حادثه‌ی تروریستی آمریکا شناسایی می‌شد.

۵-۲. طراحی یک نقشه

از مطالب بالا روشن شد که هرگونه طراحی برای حمایت از اهداف، باید طولانی مدت باشد. این شرط و سایر اجزای تشکیل دهنده‌ی یک برنامه‌ی حمایتی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۲-۱. گسترش دادن طرح‌ها برای هر قسمت پلیس

فرماندهان هر بخش از پلیس، باید مسؤول طراحی برنامه‌ی حمایت از اهداف تروریستی در قلمرو خود باشند. این طرح‌ها هر سال با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در هر سال و در پاسخ به تهدیدات جدید آشکار شده، مورد بازنگری قرار می‌گیرند. این وظیفه از دو اقدام مجزا، اما مرتبط، تشکیل شده است:

۱- معرفی شماری از اهداف بسیار آسیب‌پذیر و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها و همکاری با سایر دست‌اندرکاران در موارد ضروری: پلیس باید به صورت آشکار در مورد نوع حمله‌ای که احتمالاً صورت می‌گیرد و چگونگی آن و اهداف آسیب‌پذیر تحقیق نماید؛

۲- در اختیار قرار دادن توصیه‌های امنیتی پایه‌ای برای سایر اهداف.

۵-۲-۲. طرح طولانی مدت

کاهش برخی از انواع خاص تروریسم و از بین بردن گروه‌های تروریستی خاص، امکان‌پذیر است. با این حال در طی زمان، گروه‌های تروریستی دیگری ایجاد خواهند شد و اشکال جدیدی از حملات، گسترش خواهد یافت. برخی شکل‌های جدید حملات نیز در اثر تغییر اجتماعی و تکنولوژیکی ایجاد خواهد شد که موقعیت‌های جدیدی را برای تروریسم ایجاد می‌کند. بنابراین به منظور تجزیه و تحلیل دائمی آسیب‌پذیری اهداف تروریستی در هر حوزه، پلیس آن منطقه باید یک طرح طولانی مدت را خود طراحی کند. وظیفه‌ی کاهش موقعیت‌ها برای تروریسم، در کوتاه مدت غیر ممکن به نظر می‌رسد، اما اگر به این وظیفه به عنوان یک تعهد دائمی نگریسته شود، قابل مدیریت خواهد بود.

۳-۲-۵. همکاری نزدیک با بخش خصوصی

بخش خصوصی قسمت عمده‌ی اهداف تروریستی را مالکیت یا مدیریت می‌کند. از این رو، به منظور کاهش موقعیت‌های تروریسم، پلیس با مشاغل، صنایع و سایر نهادهای غیردولتی همکاری کند و متصدیان بخش خصوصی را در جهت گسترش امنیت در حوزه‌ی تحت فرمان خود قانع نماید. پلیس باید پیشنهادهایی را به بخش خصوصی ارائه کند که برای اقدامات تجاری آنان منفعت داشته باشد. به عبارت دیگر، راه‌حل‌ها باید «دو سر سود» باشند. متخصصان امنیت، مسوول حفظ امنیت بیشتر در حوزه‌ی قلمرو خود هستند و کنترل محسوس جرم را در محل‌هایی که مردم بیشتر وقت روزانه‌ی خود را در آنجا می‌گذرانند، شامل محل کار، وسایل حمل و نقل عمومی، اماکن آموزشی و مراکز خرید اعمال نمایند. بخش خصوصی به پلیس کمک می‌کند برای طراحی برنامه‌های حمایت از زیربناهای اساسی نظیر بنادر، مخازن و تاسیسات آب و مانند آن تا منابع لازم، نظیر مشاوران حرفه‌ای را شناسایی کنند.

برآمد

پس از حملات یازدهم سپتامبر، تروریسم به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای نظم عمومی مطرح شد. در سال‌های ابتدایی بروز این پدیده، به نظر می‌رسید سازمان‌های اطلاعاتی، نقش مهمی در مقابله با این جرم دارند، اما نقش پلیس به عنوان حافظ جامعه نادیده گرفته شد. کاهش بودجه‌ی پلیس در ایالات متحده، مؤید این ادعاست. اخیراً این رویکرد تا حدی تغییر یافته است. رهبران پلیس مانند «کلینگ» و «براتون» ثابت کردند پلیس در مبارزه با تروریسم یک نقش اساسی ایفاء می‌کند؛ زیرا بهترین ظرفیت را برای اطلاع از تهدیدات تروریستی محلی دارا می‌باشد و می‌داند کدام اهداف بیشتر در معرض خطر هستند.

در این مقاله، بر روی دو کارکرد نخست که هر دو به پیش‌گیری مربوط می‌شود، تاکید کردیم. گسترش اصول انجام برنامه‌های پلیسی در جامعه، می‌تواند کارکرد نخست یعنی گردآوری اطلاعات را افزایش دهد، در حالی که پیش‌گیری وضعی از جرم، یک ساختار مفید برای دستیابی به کارکرد دوم یعنی حمایت از اهداف آسیب‌پذیر را فراهم می‌آورد. برای دست یافتن به این کارکردها، پلیس، به ویژه در شهرهای بزرگ، ممکن است مجبور شود تغییرات قابل توجهی در رویه‌های خود ایجاد کند. آن‌ها به پیش‌گیری، ارائه‌ی خدمات به جامعه، استفاده‌ی کامل از داده‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها، شکل‌دهی به همکاری با سایر نهادها و سازمان‌های عمومی و خصوصی اهمیت می‌دهند. این اقدامات مواجهه با تهدید تروریسم را تسهیل می‌کند و موجب می‌شود اهداف خود مبنی بر مبارزه با جرم، حمایت از بزه‌دیدگان و ایجاد اعتماد مجدد نسبت به دولت را بهتر تامین کند.

فهرست منابع

- Brown, R., and Clarke, R.V. **“Police intelligence and theft of vehicles for export: Recent U.K. Experience.”** In Maxfield, M.G., and Clarke, R.V. (eds), Understanding and Preventing Car Theft, Crime Prevention Studies, vol. 17. Monsey: Criminal Justice Press, pp, 2004.
- Brown, R., Clarke, R.V., and Sheptycki, J. **Tackling Organised Vehicle Crime: the role of NCIS**, Findings 238. London: Home Office, 2004.
- Cauley, J., and Im, E.I. **“Intervention Policy Analysis of Skyjackings and Other Terrorist Incidents.”** American Economic Review 78(2), 1988.
- Chapman, R., and Scheider, M. Undated. **Community Policing for Mayors: A Municipal Service Model for Policing and Beyond**, Office of Community Oriented Policing Services. Washington, DC: U.S. Department of Justice, (Accessible at: www.cops.usdoj.gov).
- Chauncey, R. **“Deterrence: Certainty, Severity, and Skyjacking.”** Criminology 12(4), 1975.
- Clarke, R.V. **Hot Products: Understanding, Anticipating and Reducing Demand for Stolen Goods**, Police Research Series, Paper 112. London: Home Office, (Accessible at: www.homeoffice.gov.uk/prgpubs.htm), 1999.
- Clarke, R.V. **“Seven Misconceptions of Situational Crime Prevention.”** In Tilley, N. (ed.), Handbook of Crime Prevention and Community Safety, Cullompton: Willan, 2005.
- Clarke, R.V., and Eck, J.E. **Become a Problem-solving Crime Analyst—In 55 Steps**, London: Jill Dando Institute of Crime Science, UCL, 2003.
- Clarke, R.V., and Newman, G.R. **Outsmarting the Terrorists**, Westport CT: Praeger Security International, 2006.
- Clarke, R.V., and Newman, G.R. **Policing Terrorism: A Police**

- Chief's Guide*, Office of Community Policing Oriented Services. Washington, DC: U.S. Dept. of Justice, (In press).
- Dugan, L., LaFree, G., and Piquero, A. 2005. *“Testing a Rational Choice Model of Airline Hijackings.”* *Criminology* 43(4): 1031–1066.
- Enders, W., and Sandler, T. *“The Effectiveness of Antiterrorism Policies: A Vector-Autoregression- Intervention Analysis.”* *American Political Science Review* 87(4), 1993.
- Enders, W., and Sandler, T. *“Is Transnational Terrorism Becoming More Threatening?”* *Journal of Conflict Resolution* 44(3), 2000.
- Enders, W., and Sandler, T. *The Political Economy of Terrorism*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006.
- Enders, W., Sandler, T., and Cauley, J. *“UN Conventions, Technology and Retaliation in the Fight Against Terrorism: An Econometric Evaluation.”* *Terrorism and Political Violence* 2(1), 1990.
- Finnegan, W. *“The Terrorism Beat: How is the NYPD Defending the City?”* *New Yorker* 81(21), 2005.
- General Accounting Office. *Efforts to Improve Information Sharing Need to be Strengthened*, Report to the Secretary of Homeland Security, GAO-03-760. Washington, DC: U.S. General Accounting Office, 2003.
- Gill, P. *Rounding up the Usual Suspects? Developments in Contemporary Law Enforcement Intelligence*, Aldershot: Ashgate, 2000.
- Gladwell, M. *“Connecting the dots: the paradoxes of intelligence reform.”* *New Yorker* March(10), 2003.
- Heaton, R. *“The Prospects for Intelligence- Led Policing: Some Historical and Quantitative Considerations.”* *Policing and Society* 9, 2000.

- Hesseling, R.B.P. **“Displacement: A Review of the Empirical Literature.”** In Clarke, RV (ed.), *Crime Prevention Studies*, Vol. Monsey: Criminal Justice Press, 197–230, (Accessible at: www.popcenter.org), 1994.
- Innes, M. **“Reinventing Tradition? Reassurance, Neighbourhood Security and Policing.”** *Criminal Justice* 4(2), 2004.
- Kelling, G.L., and Bratton, W.J. **Policing Terrorism**, Civic Bulletin 43. New York: Manhattan Institute, 2006.
- Lum, C., Kennedy, L.W., and Sherley, A.J. **The Effectiveness of Counter-terrorism Strategies: A Campbell Systematic Review**, (Accessible at www.campbellcollaboration.org), 2006.
- Maguire M. **“Policing by Risks and Targets: Some Implications of Intelligence-Led Crime Control.”** *Policing and Society* 9, 2000.
- Morris, J. **The National Reassurance Policing Programme: A Ten-site Evaluation**, Findings 273. London: Home Office, 2006.
- Napoleoni, L. **Terror Incorporated: Tracing the Dollars Behind the Terror Networks**, New York: Seven Stories Press, 2005.
- Peterson, M. **Intelligence-Led Policing: The New Intelligence Architecture**, Washington, DC: U.S. Dept. of Justice, Bureau of Justice Assistance, 2005.